

هویت ایرانی در شعر کُردی با تأکید بر اشعار شاعران معاصر: «هژار و هیمن»

* حسن رشیدی

E-mail: HASSANRASHIDY@gmail.com

** شهلا امینی

E-mail: HA.NA_55@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲۷

چکیده

هویت جمعی شیوه مشترک در نحوه تفکر، احساسات و تمایلات یک گروه است. از نظرگاه مدرنیستی، مبتنی بر نظریه کنش متقابل نمادین، هویت جمعی نوعی احساس تعلق، انتساب و تعهد نسبت به گروه را در بین اعضای اش برمی‌انگیزد و فرایند خود شناسایی کنشگران اجتماعی و بازتاب نگرش دیگران نسبت به خود را میسور می‌کند. هویت ایرانی نوعی هویت جمعی است که از سطحی کلان‌تر از هویت‌های خرد اقوام ساکن در سرزمین ایران برخوردار است و عناصر آن طی تاریخی چند هزار ساله شکل گرفته است. این مقاله با روش اسنادی، کتابخانه‌ای و هم‌چنین با استفاده از روش تحلیل محتوی به بررسی هویت ایرانی در شعر کُردی پرداخته و براساس پیشینه، اهداف و مبانی نظری هویت ایرانی ابعاد «زبان فارسی، فرهنگی - اجتماعی، سرزمین، سیاسی و دین» را به عنوان مقوله‌های هویت ایرانی در نظر گرفته و برای آنها واحدهای تحلیل طراحی کرده‌است.

کلیدواژه‌ها: هویت ایرانی، شعر کُردی، هژار، هیمن.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، محقق و مدرس دانشگاه پیام‌نور مهاباد نویسنده مسئول

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه علمی کاربردی مهاباد

مقدمه

عناصر هویت ایرانی در تعامل تاریخی بین فرهنگ‌های اقوام ایرانی شکل گرفته، تکوین و تداوم یافته است، این عناصر در دوره‌های مختلف در معرض عوامل گوناگونی قرار گرفته و در هر دوره وجوهی از هویت ایرانی برجسته‌تر شده است. ولی می‌توان گفت که تعلق به ایران در هر دورانی شناسه همه‌ی ایرانیان بوده است.

هویت ایرانی در روند شکل‌گیری و تداوم تاریخی - اجتماعی‌اش، با شاخصه‌های زبانی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، سرزمینی و دینی از دیگر هویت‌های جمعی متمایز شده و موجد شباهت‌هایی در بین گروه‌های انسانی شده که از آنها با نام ایران و ایرانی یاد شده و می‌شود.

از دیرباز، در ایران‌زمین زبان فارسی ابزار بیان ادبی و هنری و ایجاد ارتباطات رسمی و غیررسمی در بین جمعیتی مرکب از خرده‌فرهنگ‌های مختلف بوده است. این امر در کنار عناصری چون دین مشترک، تعلق به یک سرزمین و فرهنگ مشترک در بطن هویت ایرانی، انسجام و اشتراکاتی را بنیان نهاده است. و این مقاله به مطالعه شاخصه‌های هویت ایرانی در شعر کُردی می‌پردازد.

بیان مسئله

«هویت یا «الهویه» کلمه‌ای عربی است که «از «هو» ساخته شده و از آن لفظ مرکب «هوهو» یا «الهوهو» را ساخته‌اند که اسم مرکب است و معرف به «ال» (الطایی، ۱۳۸۲: ۳۳). «در زبان لاتین واژه هویت به دو معنای ظاهراً متضاد به کار می‌رود: ۱) همسانی و یکنواختی؛ ۲) تمایز که دربرگیرنده‌ی ثبات یا تداوم در طول زمان است» (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

هویت ایرانی مدّ نظر در این تحقیق، به عنوان یک هویت جمعی مفروض است و «هویت‌های جمعی تأکید بر آن دارند که مردم به چه شیوه‌هایی به هم شباهت می‌یابند و چه چیزی اشتراک آنهاست» (جنکنیز، ۱۳۸۳: ۱۳۵). «هویت ایرانی از عناصری چند برخوردار است همچون: ایران، دین، سنت و تجلّد (رجایی، ۱۳۸۵: ۳). با اینکه این نوع هویت جمعی با تصور ایرانی بودن از هزاره‌ها قبل تکوین یافته بود، از نظر بعضی از صاحب‌نظران (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۴۵) این هویت جمعی در دوران ساسانیان بروز یافت و «در عصر صفوی در تلفیق با مذهب تشیع و در دوران مشروطه و بعدها در دوران پهلوی (در پیوند با ایدئولوژی مدرنیسم) متجلی شد» (بشیریه، ۱۳۸۳: ۲۲) که موجد

گفتمانی مبتنی بر ناسیونالیسم، مدرنیسم و سکولاریسم بود و «صورت‌بندی آن به امری بیرون از جامعه ایران ارتباط می‌یافت» (کچوئیان، ۱۳۸۴: ۷۹) که ماحصل آن بروز بحران‌هایی از جانب هویت قومی و رابطه ملیت و مذهب بود، ولی «انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نوعی حرکت هویت‌طلبی برای بازیابی عنصر معنوی هویت ایرانی بود» (احمدی، ۱۳۸۳: ۸۲).

این مقاله با توجه به وجوه، ابعاد و مؤلفه‌های هویت ایرانی به طراحی مقولات و واحدهای تحلیل پرداخته و چگونگی نمود آنها را در شعر گُردی بررسی کرده است.

پرسش اصلی

- چگونه جلوه‌های هویت ایرانی در شعر گُردی تجلی یافته است؟

روش تحقیق

این مقاله با بهره‌گیری از روش اسنادی - کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوی صورت گرفته و متن‌خوانی و استفاده از فیش، ابزار اصلی تحقیق است. بر اساس تبیین نظری حاصل از اهداف تحقیق، پیشینه تحقیق و چهارچوب نظری تحقیق و غور و اندیشه‌ورزی بر روی اسناد و شواهد و اطلاعات، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته‌ایم. هویت ایرانی در این نوشتار با مقوله‌های زبانی، فرهنگی - اجتماعی، سرزمینی، سیاسی و دینی مشخص شده و برای هر یک از مقوله‌ها، واحدهای زیر در نظر گرفته شده است:

جدول ۱: مقولات و واحدهای تحلیل هویت ایرانی

| مقوله‌های تحقیق | واحدهای تحلیل | هویت ایرانی |
|------------------|---|-------------|
| زبان فارسی | واژگان، عبارات و جملات، تضمین و مضامین، تشبیه، ادبی باستانی | |
| فرهنگی - اجتماعی | قشربندی اجتماعی، شغل و نوروژ | |
| سرزمینی | ایرانشهر، شهرها، کوه‌ها، رودها و مکان‌های دیگر ایران | |
| سیاسی | علاقه به ایران، بیان اتحاد، همبستگی و انسجام ملی در برابر دشمنان، توجه به اقوام ایران به عنوان زیرمجموعه هویت ملی (ایران) | |
| دینی | زرتشت و اسلام | |

حجم نمونه

دیوان شعر هزار که نشر نارس واقع در شهر اربیل عراق در سال ۲۰۰۱ میلادی منتشر کرده است (شرفکندی، ۲۰۰۱) و دیوان شعر هیمن که توسط نشر آزادی واقع در شهر سلیمانیه عراق در سال ۲۰۰۹ میلادی به چاپ رسیده است (شیخ‌الاسلامی، ۲۰۰۹).

چهارچوب نظری

هویت جمعی در هر نوع گروه اجتماعی «شیوه مشترک در نحوه تفکر، احساسات و تمایلات یک گروه است که نوعی احساس تعهد و تکلیف نسبت به گروه را بر می‌انگیزد (رزازی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۰۳) و به عنوان شناسه آن حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق، منتسب و مدیون به آن می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. هویت اجتماعی فرایندی برای خودشناسایی کنشگران اجتماعی است و «به شیوه‌هایی که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود را از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌کنند اشاره دارد» (جنکنیز، ۱۳۸۳: ۷۱).

جرج هربرت مید پرچم‌دار نظریه هویت اجتماعی در علوم اجتماعی است که فرایند دستیابی فرد به احساس و برداشتی کامل از خویشتن را بررسی می‌کند. «از دیدگاه مید هر فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازماندهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد (دغاقله، ۱۳۸۶: ۵۲). تاجفل با اتکا به این رهیافت، «عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر ارزشی، شناختی و احساسی می‌داند» (ترنر، ۱۹۸۲: ۴۰-۱۵). بر این اساس این نظریه درباره هویت که آن را ماحصل کنش متقابل بین اعضا و گروه‌های اجتماعی می‌داند؛ در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است.

در یک تقسیم‌بندی کلی هویت‌ها را ذیل سه دسته عام (سنتی، مدرن و پست‌مدرن) قرار می‌دهند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۳۱):

از نظرگاه سنتی، ماقبل مدرن یا جوهرگرا «هویت دارای جوهری ثابت و تعیین‌کننده هستی انسان در نظر گرفته می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۵) که در جوامع سنتی مصداق می‌یابد و «چنان عناصر فرهنگی مختلف فرد را در شبکه‌های اجتماعی خویشاوندی و محلی ادغام می‌کردند که انفکاک میان فرد و جامعه تقریباً از بین می‌رفت (تاملینسون، ۱۹۹۹: ۴۹). در رویکرد مدرن یا ساختارگرا هویت ساخته‌ای اجتماعی است و «امری

ذاتی نیست، بلکه یک سازه است و اعتباری و قراردادی است» (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۰). نظریه‌های ساختارگرایانه و کنش متقابل نمادین این برداشت تعاملی از هویت را به دقت تشریح کرده‌اند. رویکرد پست‌مدرن یا گفتمانی واجد نوعی انتقاد و منازعه فکری پیرامون مبانی مشروعیت‌بخش مدرنیته بود و «با نقد فرهنگی و ردّ انحصار گفتمانی و معنابخشی کلیت‌طلبانه، زمینه را برای پذیرش چند فرهنگ‌گرایی فراهم آورد» (نظری، ۱۳۸۵: ۱۱۸). در این رویکرد هویت‌ها دستاورد گفتمان‌ها و واجد پیامدهای متغیر و دگرگون‌شونده فرض می‌شوند.

هویت ملی

مفهوم ملت «در معنی آغازین خود به مفاهیم نژاد و مردم نزدیک بوده ولی در اواخر قرن هفدهم به مجموعه ساکنان یک دولت در یک کشور واحد با قوانین و زبان واحدی اطلاق می‌گردید (برتون، ۱۳۸۴: ۲۴۳). در این معنا ملت «واجد عناصر عینی و ذهنی و جنبه‌های قومی - فرهنگی و مدنی است» (معینی‌علمداری، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۷):

جدول ۲: عناصر و جنبه‌های هویت ملی

| جنبه‌ها | | عناصر | |
|------------------------|--------------------|--|---------------|
| جنبه مدنی | جنبه قومی - فرهنگی | عناصر ذهنی | عناصر عینی |
| الزامات و تعهدات مشترک | نیاکان مشترک | اسطوره‌ها، خاطره‌ها، باورها و فرهنگ‌ها | عوامل سرزمینی |

به علاوه دو رویکرد به مفهوم ملت وجود دارد: «رویکرد کهن‌گرا و رویکرد مدرن‌گرا که اولی به وجود تاریخی و پیوسته ملت‌ها و دومی به ابداعی بودن ملت‌ها باور دارد» (برتون، ۱۳۸۴: ۲۴۵-۲۴۴). این رویکردها دارای گرایش‌هایی به شرح جدول (۳) زیر است:

جدول ۳: رویکردها به مفهوم ملت

| رویکرد مدرن | رویکرد کهن‌گرا | |
|--|------------------------------------|---|
| | گرایش ضعیف | گرایش قوی |
| ملت پدیده‌ای حاصل از فرایند جامعه مدرن (عقلانیت صنعتی، تکنولوژیک، بوروکراتیک و فرهنگ و آموزش سکولار) است | ملت‌ها به صورت موقت وجود داشته‌اند | ملت‌ها ازلی و طبیعی بوده و همیشه وجود داشته‌اند |

ملت و هویت ملی مفاهیمی مرتبط‌اند. «هویت ملی فراگیرترین هویت اجتماعی یک جامعه بوده و مجموعه ویژگی‌ها، دلبستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، حماسی و قومی که زندگی انسانی را دربرمی‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند» (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۲). از نظرگاهی دیگر «هویت ملی دایر بر واحد سیاسی‌ای به نام کشور است و همه افرادی که تابعیت کشوری را داشته باشند هویت ملی مربوط به آن کشور را دارند» (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

از نظر اسمیت هویت ملی «بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌های متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۵ و گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۴).

هم‌چنین برای هویت ملی «دو وجه ناگسستنی تمایزآفرینی (مرزسازی) و تداوم‌سازی» (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۳) به شرح جدول (۴) بر می‌شمارند:

جدول ۴: وجوه هویت ملی

| تداوم‌سازی | | تمایز آفرینی یا مرزسازی | | وجوه هویت |
|-------------|----------------------|-------------------------|----------------|-----------|
| ساخت یک | ترسیم تصویری | برتری نمادها یا | شناسایی نمادها | کارکرد |
| خاطره مشترک | فرازمانی از نشانگرها | نشانگرهای شناسایی و | یا نشانگرهای | |
| جمعی | و نمادهای تمایز | گزینش | تمایز | |

بر اساس نظریه سیستم‌های پارسونز «پایبندی به هنجارها و ارزش‌های چهارگانه هویت ملی (ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی) و میزان تعهد عام یا مشارکت در جهت توسعه این هنجارها و ارزش‌ها نشان‌دهنده جایگاه هویت ملی نزد افراد یک جامعه است» (رزازی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۲۱). بر این اساس در این مقاله هویت ایرانی چون هویت ملی واجد وجوه و ابعادی انگاشته شده که در سرزمین ایران در طول تاریخ چند هزار ساله شکل گرفته است.

ایران و هویت ایرانی

«واژه ایران به معنی سرزمین آریاییان یا نجیبان است. از دید سیاسی، این نام به کشوری داده می‌شود که در جنوب باختری آسیا (خاورمیانه) واقع است. از دید جغرافیایی، سراسر فلات ایران را می‌پوشاند و از دید فرهنگی دربرگیرنده مردمانی است که بر اساس آیین‌های ایرانی زندگی می‌کنند» (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۵۵). از نظر تاریخی و

سیاسی - جغرافیایی ایران همچون یک نژاد، سرزمین، کشور، دولت و مردمانی دارای نام و ریشه ایرانی قدمتی دیرینه داشته است، «نام این کشور در زمان هخامنشیان آریانا و یا ایرانا به معنی سرزمین مقدس آریاییان بود که آن را از «ایرانا»ی هخامنشی گرفته‌اند» (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۵۷-۱۵۶ و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۲۳)؛ و به قولی «در اواخر نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد و اوایل هزاره نخست پیش از میلاد، از سرزمین اصلی خود در شمال شرق و غرب دریای خزر، وارد فلات ایران شدند» (صنیع‌اجلال، ۱۳۸۴: ۵۵).

در طی هزاره‌ها شاخصه‌های فرهنگی و آداب و رسوم ایرانی هویت واحدی به جامعه ایرانی بخشیده که دارای گستره جغرافیایی وسیع‌تری از امروزه بوده است. با اینکه هویت ملی، به معنای امروزی آن، از زمان ورود عناصر مدرنیته غربی (دوره مشروطیت) به ایران شکل گرفت، ولی «نوعی هویت جمعی با تصور ایرانی بودن در معنای یکپارچه سیاسی، قومی، دینی، زبانی، زمانی و مکانی آن در دوران ساسانیان در جامعه ایرانی بروز یافت» (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۴۵). در مورد اینکه چه عناصر مشترکی به لحاظ تاریخی در هویت ما شکل گرفته است، اجماع نظر وجود ندارد ولی انتقال خاطره تاریخی ما از طریق سه مجرا امکان‌پذیر بوده است: «نخبگان و قدرت سیاسی، فولکلور و ادبیات مدون که از میان این سه مجرا ادبیات و شعر فارسی جنبه غالب داشته است» (سیدامامی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). بر این اساس، در سرزمین ایران عناصری چون زبان، دین، حکومت، جغرافیا، آداب و رسوم و فرهنگ در دوره‌های مختلف و به صورت متفاوت در هویت ایرانی حاضر بوده‌اند و یک نوع وحدت سرزمینی و سیاسی ایجاد شده است.

محققان با توجه به پیشینه، اهداف و مبانی نظری تحقیق و همچنین فراوانی شواهد شعری عناصر هویت ایرانی، به تجزیه و تحلیل ابعاد «زبانی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، سرزمینی و دینی» هویت ایرانی در اشعار مورد مطالعه پرداخته‌اند.

هیمین و هزار

محدوده زمانی مورد مطالعه در این مقاله فضای زمانی ۱۳۷۰-۱۳۰۰ هجری شمسی (دهه دوم تا دهه پایانی قرن بیستم) است. در این زمان جهان در حال گذر از نظام دوقطبی و تک‌قطبی شدن سلطه جهانی، جهانی‌شدن و رونق ارتباطات و رسانه‌های ارتباطی بود.

دو شاعر مورد تحقیق (هیمن و هزار)، در بین شاعران زبان و ادب کُردی واجد جایگاه و مرتبه ادبی والایی هستند؛ به گونه‌ای که مورد توجه و حتی تقلید ادیبان و شاعران دیگر قرار گرفته و به نخبگان ادبی تأثیرگذار تبدیل شده‌اند.

محمدامین شیخ‌الاسلامی ملقب به هیمن یادگیری را با قرآن مجید و کتب مقدماتی فارسی و عربی آغاز کرد. عضویت شورای نویسندگان نشریه «نیشتمان» و ماهنامه فرهنگی «سروه» و همکاری با روزنامه‌های مختلف از فعالیت‌های فرهنگی وی بوده و دارای آثار و تألیفات فراوان است: مجموعه اشعار «تاریک و روشن، کوله‌بار یاران، و آثار دسته‌ای گلُ دسته‌ای نرگس، شاهزاده و گدا و ییلاق متروکه»^۱ و هم چنین مجموعه مقالات و بازنویسی تحفه مظفریه.

در این مقاله مجموعه‌ای مشتمل بر تمامی اشعار شاعر با نام «دیوانی هیمن» مورد استفاده قرار گرفته است.

عبدالرحمن شرفکندی ملقب به هزار به عنوان نویسنده، محقق، مترجم و شاعری نامدار دارای جایگاهی والا در ادب کُردی است. وی که عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده دارای آثاری در حوزه‌های تحقیق، ترجمه، و نشریات است: ترجمه از زبان عربی به زبان فارسی شامل: قانون ابوعلی سینا (۷ جلد)، آثار البلاد و اخبار البلاد، تاریخ سلیمانیه و روابط فرهنگی ایران و مصر و ترجمه‌هایی از زبان فارسی به زبان کُردی شامل: قرآن کریم، رباعیات خیام، فرهنگ عمید، شرفنامه بدلیسی، آثاری از دکتر شریعتی (۱) و آثار تاریخ اردلان، «برای (تقدیم به) کُردستان (هزار، ۲۰۰۱)، زندگینامه (هزار، ۱۹۹۷)، فرهنگ لغت»^۲ (هزار، ۱۳۶۷) و... که در این مقاله از مجموعه شعر «برای کُردستان» که مشتمل بر تمامی اشعار وی می باشد، استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این مقاله شواهد به دست آمده بر اساس اهداف، پیشینه، مبانی نظری و با توجه به مقولات و واحدهای تحلیل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است تا وجوه هویت ایرانی در شعر کُردی مطالعه شود.

۱. نام کُردی این آثار به ترتیب «تاریک وروون، بارگهی یاران، چه پکیک گول وچه پکیک نیرگیز، شازاده وگه‌دا و هه‌واری خالی» می باشد.

۲. نام کُردی این آثار به ترتیب «بۆکوردوستان، چیشتی مجیور و هه‌نبانه بۆرینه» می باشد.

زبان فارسی

اندیشه بشری توسط زبان شکل می‌گیرد و به واسطه آن منتقل می‌شود. به عبارت دیگر «زبان به عنوان مهم‌ترین مؤلفه توانش ارتباطی، حامل و حتی سازنده اندیشه بوده و ربط وثیقی با هویت دارد» (نصری، ۱۳۸۷: ۶۵). از نظر اندیشمندان و محققان عرصه هویت، زبان واجد جایگاه ممتاز در هویت‌بخشی، هویت‌سازی و انتقال آن است. «اهمیت زبان در بیان و معرفی هویت آن است که هم مؤلفه و رکن قوی هویت است و هم ابزاری است برای بیان سایر مؤلفه‌های هویت‌بخش به‌طوری‌که خاطرات تاریخی و مناسک دینی و ملی به واسطه زبان بیان می‌شوند» (نصری، ۱۳۸۷: ۶۸)؛ بیشتر تحقیقات تجربی نشان از اولویت عنصر زبان (فارسی) در بین سایر عناصر هویت ایرانی دارد و «در بیشتر مباحثی که راجع به هویت ملی در ایران مطرح شده، بیشتر از هر چیزی بر زبان فارسی تأکید شده است» (صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۷۵)؛ به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد زبان فارسی «آئینه تمام‌نمای هویت ملی ایرانی و عنصر اصلی و پایدار فرهنگ ایرانی است» (قبادی و غیاث‌الدین، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

با توجه به اینکه اشتراکات لغوی بسیاری بین زبان فارسی و کُردی وجود دارد و این امر ریشه‌های تاریخی و فرهنگی چند هزار ساله دارد، لغات زیادی را در زبان کُردی می‌توان یافت که از زبان فارسی ریشه گرفته و یا بین این دو زبان مشترک است؛ از جمله واژه «زمهر» که مخفف «زمهریر» و به معنی سرمای سخت در این اشعار به کار رفته است: (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۱۹).

«هزارستان»^۱ که به معنی بلبل در زبان و ادب فارسی رایج است، در شعر کُردی نیز در این معنا به کار رفته است (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۳۴):^۲

تا آخرین نفس برای گل و بوستان سرزمینم شعر می‌خوانم و زیر سایه گل و گلزارش
همانند هزارستان شعر می‌سرایم... (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۴۶) (۲)

شعر کُردی در مواردی متأثر از استعارات رایج در ادب فارسی واقع شده است؛ چنان‌که هزار بدین سیاق واژه «ارغوان» را به کار برده است: (هزار، ۲۰۰۱: ۵۰)
بیان شعری با استفاده از مفاهیم و واژه‌های عارفانه «یار، می، شراب، ساغر، پیر و...»

۱. در شعر کُردی به این صورت آمده است: «هزاردهستان»

۲. با توجه به زبان نشریه و مخاطبین آن، در متن مقاله ترجمه فارسی اشعار کُردی آمده است و برخی از شواهد شعر کُردی در بخش یادداشت‌ها آمده است.

از دیگر مواردی که به شیوه ادب فارسی، در شعر گردی واجد شواهد زیادی است: (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۷۵، ۲۰۷، ۲۵۰، ۲۷۴، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۰۱، ۳۳۶، ۳۴۳، ۳۶۸)؛ هم‌چنین مواردی از تأثیرپذیری شعر گردی با استفاده از عین واژه زبان فارسی دیده می‌شود: (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۴۳، ۲۰۸، ۳۷۳، ۴۰۷) و (هزار، ۲۰۰۱: ۵۶، ۵۷، ۲۹۳ و ۲۹۸).

به‌کارگیری مستقیم عبارات و جملات زبان فارسی و یا با استفاده از ابزار ادبی تضمین و یا ترجمه‌ای از شعر فارسی، در مواردی چند (هزار ۲۰۰۱: ۲۶)، (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۹۲، ۳۳۶) به کار رفته است: (۳)

مست مستم ساقیا دستم بگیر / تا نه افتادم ز پا دستم بگیر

(هیمن، ۲۰۰۹: ۲۷۹)

بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند

(هیمن، ۲۰۰۹: ۲۷۹)

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

(هیمن، ۲۰۰۹: ۲۸۳)

بیان شعری هزار متأثر از غزل «الا یا ایها الساقی» حافظ شیرازی علاوه بر اینکه نشان از تأثیرپذیری از شیوه بیان عرفانی شعر فارسی دارد، در برخی موارد، عین کلماتی از این شعر حافظ را به کار برده و در بعضی موارد کلمات را با علامت جمع «ها» به شیوه زبان فارسی جمع بسته است (هزار، ۲۰۰۱: ۵۲۵) (۴). در شعر «من جرب‌المجرب» (هزار، ۲۰۰۱: ۵۲۶)، از اصطلاحات فارسی بهره‌ها برده شده است. و در شعر دیگری با عنوان «نه‌ی پستی»^۱ یک مصرع به زبان کردی و مصرع دیگر را به زبان فارسی آورده است (هزار، ۲۰۰۱: ۵۲۶-۵۲۷) (۵).

شاعران مورد تحقیق در برخی موارد ترجمه اشعار یا عبارات ادب فارسی را به کار برده‌اند (هزار، ۲۰۰۱: ۵۲۷)، چنان است شاهد شعری (هیمن، ۲۰۰۹: ۲۶۰) (۶) که در ترجمه مضمون بیت زیر به کار رفته است:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد / که هرچه دیده بیند دل کند یاد

(عریان، ۱۳۶۳: ۴۷)

هم‌چنین در ابیات (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۱۹) (۷)، از شعر زیر از مولوی بلخی مضمون گرفته است:

۱. مواظب باش پاره نشود (نگسلد).

تو به غربت دیده‌ای بس شهرها
گفت آن شهری که در وی دلبر است

گفت معشوقی به عاشق کای فتی
پس کدامین شهر زانها بهتر است؟

(دفتر سوم، بیت ۳۸۰۸).

در بعضی از اشعار کُردی تشبیهاتی به سیاق فن تشبیه ادبیات فارسی به کار رفته است؛ مانند نمونه «سرو» که در ادبیات فارسی رایج است (هیمن، ۲۰۰۹: ۲۶۱، ۳۶۴، ۳۶۵، ۴۰۴، ۴۰۶).

ادبی

ادبیات کلاسیک فارسی واجد آموزه‌های حکمت‌آمیز و آموزنده‌ای است که به نوعی بیانگر شخصیت انسان ایرانی است و آنان است» (ثاقب‌فر، ۱۳۸۳: ۲۴۵) و بیانگر آن است که «گذشته ما خمیرمایه کل هویت ماست» (الطایی، ۱۳۷۸: ۱۲۴). شخصیت‌ها و داستان‌های شاهنامه (رستم، ضحاک، کاوه و...) از این دسته‌اند که الهام‌بخش هزار و هیمن در بیان شعری‌شان بوده‌اند؛ (هزار، ۲۰۰۱: ۲۸۷، ۳۰۵، ۳۱۳، ۳۱۴، ۵۵۹) (۸).

مفاهیم فوق در ادب فارسی تداعی‌گر ظلم‌ستیزی و دادپروری است که واجد شواهد زیادی در اشعار مورد مطالعه است: اشعار «کاوه‌ی‌مه‌زن»^۱ (هزار، ۲۰۰۱: ۱۶۹)، «کوتکی‌کاوه»^۲ (هزار، ۲۰۰۱: ۳۰۵) و ابیات (هزار، ۲۰۰۱: ۳۸، ۷۳، ۱۰۸، ۷۶، ۱۴۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۳۷، ۳۰۶، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۴) و (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۴۲، ۲۱۳ و ۳۴۸). به علاوه کاربرد نمادین مرگ ضحاک، در شعر کُردی نیز به شیوه رایج در ادبیات فارسی، بسیار دیده می‌شود: (هیمن، ۲۰۰۹: ۲۱۳)

بُعد فرهنگی - اجتماعی

مراد از این بُعد ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی هویت ایرانی است که در این مقاله مفاهیم «طبقات و قشربندی اجتماعی» و «نوروز» در اشعار شاعران مورد تحقیق واجد بیشترین فراوانی بوده است. نوع قشربندی و مشاغل در هر دوره‌ای رویه‌ای اجتماعی - اقتصادی بوده است که تا حدودی در سراسر سرزمین ایران عمومیّت داشته است. «شغل هر فرد چهارچوبی برای هویت هر فرد است گو اینکه تعریف شغل و اهمیت جمالی آن تابع تعریف زمان و جامعه و مکان مربوط می‌گردد» (الطایی، ۱۳۸۲: ۶-۸۵).

۱. کاوه بزرگ

۲. پتک کاوه

مفاهیمی چون «آغا»، «رعیت»، «ارباب»، «امیر»، «شیخ»، «پادشاه»، «کدخدا» و... که در تاریخ فرهنگی - اجتماعی ایران مفاهیمی آشنا هستند، متأثر از این بُعد هویت ایرانی در اشعار مورد مطالعه تجلی یافته است؛ (هزار، ۲۰۰۱: ۲۲):

امیر، ارباب، شیخ و ملکا در راه آزادی وطن شهید شدند... (هزار، ۲۰۰۱: ۱۱۲) (۹).

علاوه بر شعر «بهار روستا» (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۰۰)، این مفاهیم که تأثیرپذیری شعر گردی از هویت ایرانی را بیشتر نمایان می‌سازد در موارد زیادی به کار رفته است: (هزار، ۲۰۰۱: ۲۳، ۴۵، ۹۴، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۴۷، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۲۴، ۳۲۶، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۰۱، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۶۵) و (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۶، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۹، ۲۳۲، ۲۳۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۶۲، ۳۸۵، ۴۱۱ و ۱۹۶)؛ هزار در قالب محاوره دو نفر به نام‌های «بایر» و «پیروت» (هزار، ۲۰۰۱: ۱۶۱ و ۱۶۲) به فراوانی مفاهیم مرتبط با قشربندی طبقاتی ایران را به کار برده است. اگر در فرهنگ و قشربندی اجتماعی سنتی ایران، «امیر، ارباب، آغا» جایگاه والای دنیوی داشته‌اند، «روحانیون و شیوخ مذهبی» واجد جایگاه رهبری معنوی و دینی بوده‌اند که این امر منشأ بیان معانی و مفاهیم زیادی در اشعار مورد مطالعه بوده است؛ چنان است: (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۱۶) و (هزار، ۲۰۰۱: ۱۱۰، ۱۴۴، ۱۷۱، ۵۰۲):

کاهن، خان، پادشاه، بیگ و پیرمان را به غلّ و زنجیر کشیده بودند... (هزار، ۲۰۰۱: ۱۴۴) (۱۰).

شعر مردمی بازتاب واقعیت‌های اجتماع است. از این حیث شعر شاعران مورد تحقیق، آیینه واقعیت‌های جامعه‌ای بوده که در آن می‌زیستند؛ «رعیت و ارباب» دو قشر اجتماعی - اقتصادی جامعه زمان فتودالی ایران بودند که تفاوت‌های طبقاتی آنها و نقش اقتصادی نوین‌شان مورد توجه قرار گرفته است (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۴۳) (۱۱).

با وقوع انقلاب مشروطه، مفاهیم بیداری، آزاد اندیشی و... رونق گرفت و در دوره‌های بعد با اجرای برنامه‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی، نهادهای اقتصادی شبه غربی بروز کرد و به شدت از سهم اشتغال در بخش کشاورزی کاسته شد. حاصل این وقایع بنیاد هویت مدرن ایرانی و تغییراتی در قشربندی اجتماعی - اقتصادی بود که تأثیر آن در شعر گردی به صورت استفاده از مفاهیمی چون «میرزا»، «روشنفکر»، «کارگر و...» تجلی یافته است (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۳۵-۳۳۴):

با آگاه شدن کارگران و نوکران، امیران و سلطه‌گران خانه ویران می‌شوند و زمانی که

تحصیل کرده ما روشنفکر شود دیگر امیران نمی‌توانند بر ما سلطه یابند... (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۳۴) (۱۲).

از مفاهیم دیگری که برگرفته از شئون فرهنگ و اجتماع ایرانی به فراوانی در شعر کردی به کار رفته است مفهوم «نوروز» است. نوروز در فرهنگ ایرانی عمومیتی ماندگار داشته و آداب و سنن نوروزی در بین اقوام ایرانی رایج بوده است. «جشن‌های نوروز از نظر قدمت و مداومت (سیزده روز مداوم)، گستردگی (از هندوستان و آسیای مرکزی و قفقاز تا مصر)، دین‌پایگی (آمیخته بودن مراسم و آداب نوروز با تعالیم دینی) و شورآفرینی (احساس شادی بسیار زیاد در بین خردسالان و جوانان و بزرگسالان) شأن ارزنده‌ای در قوام هویت ایرانی ایفا کرده است» (نصری، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

مفهوم نوروز در استعاره‌ها، کنایه‌ها و سایر صنایع ادبی توسط شاعران کُرد به کار رفته است و توجه به ریشه‌های وجودی و جنبه‌های شادی‌آفرین نوروز در شعر کُردی تجلی یافته است (هزار، ۲۰۰۱: ۱۶۹، ۱۷۰، ۳۱۵، ۳۱۹) (۱۳).

بُعد سرزمینی

«ستایش سرزمین، برای شاعر دارای ارزشی ذاتی است... این رابطه در برخی از اشعار رابطه‌ای عاشقانه است و وطن در حکم معشوق شاعر معرفی می‌شود... شاعر هویت خویش را از سرزمین می‌گیرد و سرزمین نیز به سبب وجود مردم و ویژگی‌های آنان است که هویت می‌یابد» (لک، ۱۳۸۴: ۲۹). شاعران مورد مطالعه، در بسیاری از موارد با روحیه‌ای هم‌نوا با هویت ایرانی از مکان‌ها و سرزمین‌های ایران در شعرشان بهره‌ها برده‌اند: (هزار، ۲۰۰۱: ۷۲، ۷۴، ۱۰۶) و (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۷۲)؛ چنان‌که برای بیان سربلندی و استقامت به کوه‌های الوند و زاگرس اشاره می‌کنند (هزار، ۲۰۰۱: ۱۰۶، ۱۰۸) (۱۴). و روده‌های ایرانی (هزار، ۲۰۰۱: ۹۷)، نوع تولید ایرانی (هزار، ۲۰۰۱: ۴۸۲) و شهرهای ایران را برای بیان مقصود خویش در شعرشان به کار می‌برند (هزار، ۲۰۰۱: ۸۴) (۱۵).

و مکان‌های (شهرهای) مختلف ایران را اعضای یک خانواده می‌داند. اوج تعلق شاعر به هویت ایرانی در تجسم بهشت‌گونه مکان‌های مشهور و آثار تاریخی ایران نمودار می‌شود: (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۲۷، ۳۵۰، ۳۶۷، ۳۷۰) (۳۷۷).

بُعد سیاسی

نه تنها شعر با قدرت در ارتباط است بلکه «ادبیات و زبان و به طور کلی دانش با منطق قدرت بی‌ارتباط نیست» (نصری، ۱۳۸۷: ۸۸). بُعد سیاسی هویت به منابع قدرت و اقتدار اشاره دارد و «هویت هر ملت در درجه نخست مقوله‌ای در زمینه جغرافیای سیاسی و

در پیوند با چگونگی پیدایش و پایایی ملت است... نهادها در هر سرزمینی زاینده گونه ویژه‌ای از تبادل اندیشه‌ها، سلیقه‌ها، باورها و رویکرد اجتماعی مردمان آن سرزمین است» (حافظنیا و قلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴). شاعران از بُعد سیاسی هویت ایرانی متأثر شده و به تناسب موقعیت و بیان شعری‌شان از حکومت‌های ایرانی، وقایع سیاسی و موارد دیگر بهره گرفته‌اند؛ چنان است اشاره به حاکمان و حکومت‌های ایران (ماد، غزنوی، تیمور، نادرشاه، و...): (هزار، ۲۰۰۱: ۲۳۰، ۲۴۳، ۲۸۷، ۵۴۶)

در این راستا شاعر غارتگری‌ها و وحشی‌گری‌های مغولان را نکوهش می‌کند و حمله صدام و خشونت‌های شاهان پهلوی را به مغولان تشبیه می‌کند (هزار، ۲۰۰۱: ۷۸، ۲۳۰ و ۴۹۷) و (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۶۷ و ۳۶۸). نمود بُعد سیاسی هویت ایرانی در اشعار مورد مطالعه توجه به «اتحاد، همبستگی و انسجام ملی» است:

(گرد) هم‌نوا با ترک، عرب و همه ایرانیان خوب و پاک، متحد و یکپارچه استعمار را

ریشه کن می‌کند (هزار، ۲۰۰۱: ۸۱-۸۲) و (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۳۹) (۱۶).

این اتحاد و همبستگی با تکیه بر «ابعاد هویت ایرانی که همچون رودخانه‌ای در طول تاریخ جریان داشته است» (رجایی، ۱۳۸۵: ۶۷) مقدور می‌گردد و اقبال ملی و سرافکندگی شاهان را به دنبال داشته است (هزار، ۲۰۰۱: ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۶۶، ۱۶۷) و (هیمن، ۲۰۰۹: ۹۷، ۱۳۹). هویت‌های قومی ایران در طول همزیستی چند هزارساله‌شان در بطن هویت ایرانی از اشتراکات فرهنگی و اجتماعی فراوانی برخوردار شده‌اند.

قیام مردم ایران (انقلاب ۵۷) با لحنی مدافع هویت ایرانی در این اشعار دیده می‌شود (هزار، ۲۰۰۱: ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۵۰). بروز جنگ تحمیلی و بی‌رحمی‌های صدام حسین در این جنگ شعله‌های دفاع از هویت ایرانی را برافروخته‌تر کرد و «تصاویری بدیع از مقاومت شهرهای ایران زیر بمباران هوایی دشمن در جنگ تحمیلی و افسوس بر ویرانی‌های شهرهای مرزی ایران ایجاد شد» (لک، ۱۳۸۴: ۱۶۱). در اشعار مورد مطالعه صحنه‌های اندوه در توصیف شهرهای مورد حمله تجسم و تصویر شده است. و بعضی‌ها با الفاظ شرور و ویرانگر معرفی شده‌اند: اشعار «به‌غدا نیوه‌ی رییه‌ت بی»^۱، «شین گپری»^۲ و ابیات (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۷۳-۳۷۰).

شاعر ضمن حمایت از ایران و ایرانی به ستم‌های دوره پهلوی و بروز انقلاب ۵۷ و

۱. این اصطلاح برای بیان فاصله زیاد در زبان گُردی به کار می‌رود و ترجمه آن «بغداد نصف راحت باد» می‌باشد.

۲. شیون سر دادن

برافراشتن نظمی نوین توسط ایرانیان اشاره دارد:

ای ایرانی، یعنی جنگ دوست به دنبال ویرانی است... (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۷۲) (۱۷).

بُعد دین

«ایرانیان چه از زمان مزدا پرستی و زرتشت و چه قبل از آن مردمی معتقد به خدا و پرستش بوده‌اند» (منصورنژاد، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۱ و رجایی، ۱۳۸۵: ۱۰۷). به طوری که می‌توان ادعا نمود؛ «بستر مهم دیگر رودخانه هویت ایرانی دین است» (رجایی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). بر اساس نظر شاعران مورد تحقیق و برخی از محققین (منصورنژاد، ۱۳۸۵: ۳۳) خاستگاه و گذرگاه ادیان ایرانی (زرتشت و اسلام) از کردستان بوده است.

شواهد شعری فراوانی مبتنی بر مفاهیم و مضامین اسلامی در شعر کردی نمود یافته است، به طوری که کمتر شعری از هزار را می‌توان یافت که فاقد کلمات، معانی، مفاهیم و مضامین اسلامی باشد. هم‌چنین علاوه بر ترجمه قرآن کریم به زبان گُردی اشعاری در ترجمه قرآن و مفاهیم مربوطه دارد (اشعاری چون: «تلقین به گُردی» و «گنبد»، هزار، ۲۰۰۱: ۹۴ و ۲۱۲). در حالت کلی مفاهیم و کلماتی چون «خدا (الله)، نماز، مسجد، بهشت، جهنم، مسلمان، کافر، حلال، حرام، ملائک، شیطان و کلماتی دیگر از این نوع متأثر از این عنصر از هویت ایرانی (دین اسلام) در اشعار مورد مطالعه به کار رفته است. توکل به خدا که از مبانی دین اسلام است در بسیاری از موارد با بیانی موزون و هنرمندانه بیان شده است (۱۹).

در اشعار مورد مطالعه بیان معانی و مضامین زیادی همچون طلب، تمنا، سوگند، نفرین و... با بهره از الفاظ «یا ربی»، «الله و «خدا» صورت گرفته است: (هیمن، ۲۰۰۹: ۹۴، ۹۶، ۱۹۱، ۱۹۴-۲۰۰، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۶۴، ۲۹۸، ۳۰۶-۳۰۲، ۳۳۳، ۳۷۷، ۳۸۸، ۴۰۰، ۴۱۶، ۴۱۷) و (هزار، ۲۰۰۱: ۲۱، ۲۷، ۳۲، ۹۱، ۱۴۵-۱۴۴، ۱۶۳-۱۶۲، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۴۸-۲۴۹، ۲۶۱-۲۵۶، ۲۷۵، ۳۰۴، ۳۹۵-۳۹۴، ۳۱۷-۳۱۲ و ۳۲۷-۳۲۶).

در برخی موارد لفظ قرآن و سایر متون دین اسلام و اماکن مذهبی اسلامی به گونه‌ای مقدس اشاره شده است (هزار، ۲۰۰۱: ۲۸۰، ۲۱۲) (۲۰).

دین از ارکان هویت ایرانی بوده و چنان‌که از اشعار مورد مطالعه برمی‌آید؛ آموزه‌ها، مفاهیم، معانی و مضامین دینی در بیان شعری نقش‌آفرینی زیادی داشته است.

نتیجه‌گیری

با وجود گستردگی نمود هویت ایرانی در شعر گُردی، این مقاله به مطالعه تجلی عناصر و وجوه «زبانی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، سرزمینی و دینی» هویت ایرانی در شعر گُردی پرداخته است. زبان هویت‌ساز است و جایگاه بیان و ارتباط است و شعر بیان موزون و واجد احساس هر زبانی است. در بین ابعاد هویت ایرانی در اشعار مورد مطالعه، بالاترین تجلی را زبان فارسی داشته است.

فرهنگ از نهانگاه ذهنیت تاریخی استمرار یافته و کنش‌ها و افعال انسان‌ها را شکل داده و هدایت می‌کند؛ قشربندی اجتماعی، مشاغل و نوروژ از مؤلفه‌های فرهنگی هویت دارای بسامد شعری بیشتری در اشعار مورد مطالعه بوده‌اند.

استفاده از نام شهرها، رودها و مکان بُعد سرزمینی هویت ایرانی را آشکار می‌کند. تجسم کلیتی از سرزمین‌های ایران (ایران‌شهر) و در موارد زیادی انسجام و همبستگی اجزای این کلیت هدف بیان شعری بوده است.

محققان، «بیان علاقه به ایران»، توجه به «اتحاد و انسجام ملی» و «شمولیت هویت ایرانی بر هویت‌های خُرد» در اشعار مورد مطالعه را نشان تأثیرپذیری شعر گُردی از بُعد سیاسی هویت ایرانی دانسته‌اند. هویت ایرانی از ابتدا واجد وجوه معنوی و دینی بوده است. از نظر شاعران مورد مطالعه، دین اسلام که امروزه از بنیان‌های هویت ایرانی محسوب می‌شود، از طریق گُردستان به ایران وارد شده است. بر این اساس از اشعار مورد مطالعه وجود اشتراکات معنوی و دینی واجد قدمتی دیرینه بین گُردها و ایران استنتاج می‌شود. هم‌چنین از آنجاکه شاعران مورد مطالعه مسلمان بوده و علاوه بر اینکه در جامعه‌ای با فرهنگ اسلامی تربیت یافته‌اند، آموزش و تعلیمات‌شان را با قرآن و مبانی اسلامی آغاز کرده‌اند و الفاظ، مفاهیم، معانی و مضامین فراوانی از دین اسلام در اشعارشان نمود یافته است. بر این اساس می‌توان گفت که شعر گُردی جلوه‌ای از هویت ایرانی است و بایسته‌های این هویت؛ تعلق‌ها، گرایش‌ها و تأثیراتی را در شعر گُردی ایجاد کرده است که ریشه‌های آن در رشته ارتباطات گسترده فرهنگی و تاریخی قابل جستجو است.

یادداشت‌ها

- ۱- هژار بعضی از آثار دکتر علی شریعتی را به زبان کردی ترجمه کرده است از آن جمله: آری این چنین بود برادر، عرفان برابری آزادی، پدرمادر ما متهمیم، یک؛ جلوش بی نهایت صفر.
- ۲- پشوی دواپییم ده‌خوینم بۆ گول و گولزاری ئەم خاکه
- لەسایەتی ئەم گول و گولزاریە بوومه هه‌زارده‌ستان
(هیمن، ۲۰۰۹: ۳۴۶)
- ۳- جا که سه‌رخۆش بووم به ده‌نگیکی نه‌وی
«بشنو از نی چون حکایت می‌کند
«می‌آنچنان را آنچنان تر می‌کنند»
- بۆت ده‌لێم ئەو شیعەرە به‌رزە می‌ه‌وله‌وی
از جدایی‌ها شکایت می‌کند» (هیمن، ۲۰۰۹: ۲۷۹)
- شاعیری ده‌روه‌ست به‌مه‌ی ده‌روه‌ست تره
(هیمن، ۲۰۰۹: ۳۳۶)
- بۆ به‌زه و خوین مژ، خاوه‌نی هێزی
«رها کرده است او خوی پلنگی»
وا وه‌ره، ده‌ی وا وه‌ره نێزیک به‌لێم
«مست مستم ساقیا دستم بگیر
کۆششی من زۆر به‌جێیه و زۆر ره‌وا
«هرکسی کو دور ماند از اصل خویش
- خواهی و نخواهی هه‌ر دهم پارێزی (هژار، ۲۰۰۱: ۲۶)
نه‌ماوه پۆز و فیز و زه‌بر و زه‌نگی (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۹۲)
بمده‌یه مه‌ی، بمده‌یه مه‌ی تا ده‌لێم
تا نه‌ افتادم ز پا دستم بگیر» (هیمن، ۲۰۰۹: ۲۷۹)
چونکه قانونی ته‌بیعه‌ت وایه، وا
باز جوید روزگار وصل خویش» (هیمن، ۲۰۰۹: ۲۸۳)
- برنج هه‌رزان ببوو ئەووه‌ل ولی افتاد مشکل‌ها
که ده‌یزی که‌شکه‌کی هێنا و سه‌ری لاگرت که‌بانووی مال
...
له‌سه‌ر باپراغ زگیشت هه‌لدین سنگ بێنه پیش حافظ
متی ما تلق من ته‌وی دع الدنیا و امه‌لها
(هژار، ۲۰۰۱: ۵۲۵)
- ۴- گه‌ر هه‌لمه‌دوگی دیزه بلاو بکه‌ی به‌ فوویی
ده‌خیل که‌ به‌ن له‌ گیبه‌ ده‌ردینی نه‌ی پسینی
...
که‌ هزار جان حافظ به‌ فدای تار مویی
(هژار، ۲۰۰۱: ۵۲۶-۵۲۷)
- ۶- باب‌ه‌تاهیر! منیش ده‌لێم وه‌ک تۆ
۷- ده‌لێن یاری گوتی جارێ به‌ یاری:
له‌ هه‌مووان خۆشتر و جوانتر چ جێیه؟
- «ناخ له‌ ده‌س دیده، وای له‌ چه‌نگی دل» (هیمن، ۲۰۰۹: ۲۶۰)
«گه‌پیده‌ی، شاره‌زای زۆر گوند و شاری
گوتی: «ئەو جێیه خۆشه‌ یاری لێیه» (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۱۹)
زه‌هاک و دوو مار و کاوه (هژار، ۲۰۰۱: ۳۰۵)
داگیرکه‌ری ئاوو خاکه (هژار، ۲۰۰۱: ۳۱۳)
تیشکی پۆژی گه‌شمان هه‌یه
له‌ زوودا و له‌ پابردوودا (هژار، ۲۰۰۱: ۳۱۴)
زال و گیو و بزوو منم (هژار، ۲۰۰۱: ۲۸۷)
زال بوو، سامی نهریمان بوو (هژار، ۲۰۰۱: ۵۵۹)
جه‌للاده‌که‌ی ئەستۆی که‌وته به‌ر ساتور (هیمن، ۲۰۰۹: ۲۱۳)
راویکه‌ن، بچه‌وه‌ کۆشکی عاجی
له‌سه‌رووی ئاغا بنوسری ناوی (هژار، ۲۰۰۱: ۲۲)
- ۸- چیرۆکیک له‌ ناومان باوه
زه‌هاک نه‌وه‌ی ئەو زه‌هاکه
زۆر سوپاس کاوه‌شمان هه‌یه
سه‌د وه‌ک کاوه له‌مێژوودا
ماد و که‌یانی زوو منم
وینیه‌ی پۆسته‌می زه‌مان بوو
میشکی پزا ئەژده‌هاکی میشک خور
- ۹- نامپین پۆزو شه‌و، ئاغاو تاجی
کاتی دئ په‌عیه‌تی ده‌س قه‌لشاوی



- خوینمان پڑا له پئی گه لا
 ۱۰- خستبویانینه کۆت و زنجیر
 ئاغا و پیش سپی و مهلامان
 سی چل گۆمهگ بۆ کۆمهگ
 ۱۱- پیاوی مازاد و مالیات
 دهستینن دهغل و داهات
 ۱۲- که وریا بوونه وه پاله و کریکار
 که میرزا بوو به روئشنبیری تازه
 ۱۳- ههروهک گری ئاگری نه ورۆز
 جیژنی کۆنه و بۆمان ماوه
 ههزاران سال تێ په پروه
 مرگینی دا به سروه بای به هاری
 با خۆ له خهم جوئ کهینه وه
 ئه و زستانی ناله بار لیمان بیوه ئیستعمار
 به شوپشی نه ورۆزی، ون بوو، کرا تار و مار(هزار، ۲۰۰۱: ۱۴۷)
 ۱۴- ته م له ئه لوه ند بره وینئ
 له سه زاکرۆس بگرمینئ
 ۱۵- کړند و قه سر و خوسره وی
 به ندهر ده یلم و به هبه هان
 مه لایر، مه سجید سوله یمان
 ۱۶- له گه ل تورک و عاره بی چاک
 ده ست له قه دی یه ک وه ردینین
- میر و ئاغا و شیخ و مه لا (هزار، ۲۰۰۱: ۱۱۲)
 کاهن و خان و قه پال و بهگ و پیر (هزار، ۲۰۰۱: ۱۴۴)
 کئی زۆر به نرخن له لامان (هزار، ۲۰۰۱: ۱۷۱)
 هه مووی خان و ئاغا و بهگ (هزار، ۲۰۰۱: ۵۰۲)
 ده سووپته وه دیتات
 له کرمانج و ئاغاوات (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۴۳)
 ده شیوئ مالی میر و مه زن و خوونکار
 حوکم ناکا له سه رمان میری تازه
 ره مزی ئازادی بی و پیرۆز (هیمن، ۲۰۰۹: ۲۰۵)
 بۆی داپرتین کوتکی کاوه
 کوردیش نه ورۆزی زۆر دیوه (هزار، ۲۰۰۱: ۱۶۹)
 وا هاته وه نه ورۆزی کورده واری (هزار، ۲۰۰۱: ۳۱۹)
 نه ورۆزی کۆن نوئ کهینه وه (هزار، ۲۰۰۱: ۳۱۵)
 به شوپشی نه ورۆزی، ون بوو، کرا تار و مار(هزار، ۲۰۰۱: ۱۴۷)
 با بۆ که س سه ر نه نه وینئ (هزار، ۲۰۰۱: ۱۰۶)
 تورک و عه جه مان بدوینئ (هزار، ۲۰۰۱: ۱۰۸)
 شوشته ر و به نده ر په هله وی
 خوره ماباد و ئیسفه هان
 سولتان ئاباد و توپسه رگان... (هزار، ۲۰۰۱: ۸۴)
 گه لی ئیرانی باش و پاک
 پیشه ی ئیستعمار ده ردینین (هزار، ۲۰۰۱: ۸۱)
- ...
 هه رچی پیت ده کړئ بکه ئه ی دوژمنی خو پیری و بزانه
 باوی لاوی کورد و تافی گه نجی ئازه ربا یجانه
 خۆی له خویناودا ده بینئ هه ر که سینک دوژمن به وانه
 باله قو پ نیشئ و له هه ش نئ دوژمنی وان پیل و شانی
 چونکه ئه و پو پیه کتری گرت کورد و ئازه ربا یجانی...
 (هیمن، ۲۰۰۹: ۱۳۹)
- ۱۷- شه رفروش به عسیه ئه ی ئیرانی!
 ۱۸- بناغه ی زه ند و ئاو پستا
 زه رده شتی بووم، ئاگر په رست
 وتاری مو بیدم ئه بیست
 ۱۹- خودای گه وره! به ده س خۆته هه موو کار
 خواش که سی بیکه سه و بۆ روژی ژمار
 ۲۰- مالی سه ر خۆی خودانا سانه
- شه رفروش چی گه ره که؟ ویرانی (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۷۲)
 له سه ر په نجی من راو پستا (هزار، ۲۰۰۱: ۲۸۷)
 گویم له ئاو پستا هه ل ده خست
 ئاهوره موزدام خوش ده ویست (هزار، ۲۰۰۱: ۳۲۳)
 له سه رمان لابه ره بیدادی خوونکار (هیمن، ۲۰۰۹: ۳۳۳)
 زور دل ئاوا یه ده بووری له هه ژار (هزار، ۲۰۰۱: ۲۱۸)
 بیره داچوونه به هه شت هاسانه (هزار، ۲۰۰۱: ۲۱۲)

منابع منابع فارسی

- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)؛ *زرتشت مزدیسنا و حکومت*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳)؛ «دین و ملیت در ایران: همیاری یا کشمکش؟»، در کتاب *ایران هویت، ملیت، قومیت*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۵۳-۱۱۵.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم (نظریه ایدئولوژی، تاریخ)*، مترجم: منصور انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳)؛ «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، در کتاب *ایران هویت، ملیت، قومیت*، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۱۷۰-۱۳۳.
- الطایی، علی (۱۳۸۲)؛ *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: شادگان.
- باباطاهر (۱۳۶۳)، *دیوان شعر*، تهران: ققنوس.
- برتون، رونالد (۱۳۸۴)؛ *قوم‌شناسی سیاسی*، مترجم: ناصر فکوهی، تهران: نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳)؛ «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران»، در کتاب *ایران، هویت، ملیت و قومیت*، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۱۳۲-۱۱۵.
- بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد (مولوی) (۱۳۷۹)؛ *مثنوی مولوی*، بر اساس نسخه قونیه مطابق نسخه تصحیح‌شده ری‌نولد نیکلسن، تهران: نگاه.
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۸۳)؛ «ایران باستان و هویت ایرانی»، در کتاب *ایران، هویت، ملیت و قومیت*، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۲۶۰-۲۴۳.
- جنکنیز، ریچارد (۱۳۸۳)؛ *هویت اجتماعی*، مترجم: تورج یارمحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و علی‌ولی قلی‌زاده (۱۳۸۶)؛ «دولت صفوی و هویت ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هشتم، شماره ۴، صص ۲۸-۳.
- دغاقله، عقیل (۱۳۸۶)؛ «نسبت‌سنجی هویت‌های اجتماعی و الگوهای هویت‌یابی در جهان امروز»، *مجله راهبرد*، شماره ۴۵، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، صص ۷۱-۴۹.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۵)؛ *مشکله هویت ایرانیان امروز*، تهران: نی.
- رزازی‌فر، افسر (۱۳۷۹)؛ «الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۳۳-۱۰۱.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳)؛ «مفهوم‌شناسی هویت ملی»، در کتاب *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، به کوشش داوود میرمحمدی، تهران: تمدن ایرانی.
- سیدامامی، کاظم (۱۳۸۳)؛ «نقش زبان و ادبیات فارسی در شکل‌گیری هویت ملی»، در کتاب *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، به کوشش داوود میرمحمدی، تهران: تمدن ایرانی.
- صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۸۴)؛ *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران: تمدن ایرانی.
- قبادی، حسینعلی و منیژه غیاث‌الدین (۱۳۸۶)؛ «ظرفیت‌های ادبیات فارسی در بازیابی هویت ایرانی»، در کتاب *هویت در ایران*، به کوشش علی‌اکبر علیخانی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، صص ۱۶۳-۱۴۳.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۴)؛ *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران*، تهران: نی.

- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)؛ *جهانی شدن فرهنگ*، هویت، تهران: نی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵)؛ *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*، تهران: تمدن ایرانی.
- لک، منوچهر (۱۳۸۴)؛ *ایران زمین در شعر فارسی*، تهران: تمدن ایرانی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)؛ *دموکراسی و هویت ایرانی*، تهران: کویر.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳)؛ «هویت تاریخ و روایت در ایران»، در کتاب *ایران هویت، ملیت، قومیت*، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۵۱-۲۵.
- منصورنژاد، محمد و مرضیه بابیه (۱۳۸۶)؛ «هویت فردی و هویت جمعی»، *مجموعه مقالات هویت ملی و جهانی شدن*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۳۸۳-۳۵۳.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷)؛ *میانی هویت ایرانی*، تهران: تمدن ایرانی.
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۵)؛ «پست مدرنیسم و هویت سیاسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هفتم، شماره ۳، تهران: مؤسسه مطالعات ملی: صص ۱۳۷-۱۱۵.
- نوروزی، حسین علی (۱۳۸۵)؛ نگاهی تحلیلی به روند تحول مفهوم هویت در قالب‌های سه گانه سنتی، مدرن و پست مدرن، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۴۸-۱۲۷.

منابع کردی:

- شرفکنندی، عبدالرحمن (هزار) (۱۳۶۷)؛ *هه نپانه بوریته*، تهران: سروش.
- ----- (۱۹۹۷)؛ *چیشتی مجبور*، پاریس: بی‌نا، به سرپرستی خانی شرفکنندی.
- ----- (۲۰۰۱)؛ *بو کوردستان*، هه ولیر: ناراس.
- شیخ‌الاسلامی، محمدامین (همین موکریانی) (۲۰۰۹)؛ *دیوانی همین موکریانی*، سلیمانی: په خشانگای نازادی.

منابع لاتین:

- Tomlinson, j. (1999); *Globalization and culture*, Comridge: polity press.
- Turner, J.C. (1982); "Toward a cognitive redefinition of the social group", In H. Tajfel (Ed.), *Social identity and intergroup behavior* (PP 15-40). Cambridge, England: Cambridge University Press.